

بررسی تاریخ ایران باستان

مرتضی احدی



احدی، مرتضی

بررسی تاریخ ایران باستان / مرتضی احدی - تهران: فروهر، ۱۳۸۳

ص ۲۳۶

ISBN: 964-6320-10-4

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا

۱. ایران - تاریخ - پیش از اسلام.

الف. عنوان.

۹۵۵/۰۱

ب ۳ الف ۱۳ / DSR

۴۹۵۷-۸۳ م

کتابخانه ملی ایران

بررسی تاریخ ایران باستان

مرتضی احدی

نمونه خوان

سرور سرداری

ویرایش و آماده‌سازی برای چاپ

بهنام مبارکه

لیتوگرافی، چاپ، صحافی

شرکت چاپ خواجه

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۶۳۲۰-۱۰-۴

ISBN: 964-6320-10-4

موسسه فرهنگی - انتشاراتی فروهر

خیابان انقلاب - خیابان فلسطین جنوبی، شماره ۶

تلفن: ۶۴۶۲۷۰۲

کدپستی ۱۳۱۵۷



حق چاپ برای موسسه انتشاراتی - فرهنگی فروهر محفوظ است.

فهرست

۷	مقدمه
	● فصل اول
۱۹	شاهنامه و فردوسی
	● فصل دوم
۲۵	پیشدادیان و کیانیان
	● فصل سوم
۴۹	زرتشت اسپنتمان
	● فصل چهارم
۸۳	فلسفه‌ی آتش در باور زرتشتی
	● فصل پنجم
۹۱	تأثیر تفکرات زرتشت
	● فصل ششم
۱۰۳	زمان زرتشت
	● فصل هفتم
۱۰۹	عیلامیان و سومریان
	● فصل هشتم
۱۲۹	مادها
	● فصل نهم
۱۳۷	مخامنشیان
	● فصل دهم
۲۵۳	اشکانیان
	● فصل یازدهم
۲۷۳	ساسانیان

به نام فدا

به نام خداوندی که جهان را آفرید، جهانی سرشار از نیکی و راستی.

به نام خداوندی که زرتشت را آفرید، تا او اولین دعوت‌کننده انسان‌ها به یگانه‌پرستی، عدالت، نیکی، راستی و تلاش برای ساختن زندگی بهتر و جهان آرمانی باشد.

به نام پروردگاری که سیاوش را آفرید، تا او اولین کسی باشد که از آزمایش با آتش سربلند بیرون آمده باشد. تا جهانیان بدانند که راستی و راست بودن، انسان را بی‌مرگ و جاودانه می‌سازد. تا آن‌جا که حتی آتش در برابر او کرنش کرده و تبدیل به گلستان می‌شود.

به نام آفریدگاری که رستم‌ها و آریوبرزن‌ها را نگهبان ایران‌زمین کرد تا از این سرزمین با جان و دل در برابر دشمنان و بدخواهان دفاع نمایند تا بار دیگر شیردلانی چون حسین فهمیده ادامه دهنده‌ی راه آنان باشند که مبادا گزندی به این خاک پرگهر وارد شود.

به نام یزدانی که حضرت محمد را آخرین پیامبر از تبار پیام‌آوران الهی قرار داد تا او نیز همچون زرتشت گمراهان را به راه راستی و نیکی رهنمونی کند.

این کتاب نگاهی ست به تاریخ پرشکوه و با عظمت ایران از آغاز تا زمان حمله اعراب وحشی به این سرزمین و نقدی ست بر تاریخ‌هایی که از گذشته‌ی این سرزمین نگاشته شده است. ما در این کتاب خواهیم خواند که چگونه دشمنان این ملت و آب و خاک، تاریخ ما را تحریف کرده و همه چیز را به صورت واژگونه بر علیه ایران و ایرانی نگاشته‌اند. در این مجموعه سعی شده است تا قسمتی از این دروغ‌نوشته‌ها اصلاح گردیده و شکل درست و حقیقی وقایع آشکار شود. حقایقی که امروزه در پشت پرده‌ی ابر مانده‌اند و بر دوش ما وارثان این تمدن عظیم بشریت می‌باشد که آن را به گوش جهانیان برسانیم. بگوییم که ما فرزندان این سرزمین نخواهیم گذاشت که دروغ‌گویان و دزدان و کسانی که در طول تاریخ از خوان گسترده این سرزمین و فرهنگ و تمدنش بهره‌ها برده‌اند و دست آخر نمک خورده و نمکدان شکسته‌اند و هر آنچه از ما دزدیده‌اند یا آموخته‌اند را به ناحق به نام خود در تاریخ ثبت و ضبط کرده‌اند و به کارهای ننگین خود ادامه دهند. و به آنان خواهیم گفت که ای حیل‌گران و رهنان خرسند نباشید که دست آخر این راستی و حقیقت است که پیروز خواهد شد، و آن روز، روزی است که شما دروغ‌گویان، رسوا و

شرمگین خواهید شد.

در این کتاب ما سرگذشت مردان و زنانی را امروز خواهیم خواند که از ایران زمین به پا خواستند و با گرایش به راستی، و دوری از اهریمن و ناراستی سر به آسمان سائیدند و در تاریخ بشریت جاودانه شدند. و در مقابل، نگاهی خواهیم داشت به کسانی که دشمن این سرزمین و بزرگ مردان و زنان آن بودند.

امید است که دوباره این سرزمین با تلاش و کوشش مردان و زنان غیرتمند که خون گذشتگان پاکدامن و راستگوی شان در رگ های این مردم جوشان است، اقتدار و شکوه گذشته ی با عظمت خود را به دست آورند.

در آغاز این کتاب لازم است بلایی را که امروزه بیشتر از هر ملّتی دامن گیر ما شده است را ذکر نمایم. و آن چیزی نیست جز فراموش کردن گذشته با ابهت خود و بی اعتنا نگرستن به آن.

امروزه اگر از اکثریت مردم ایران سؤال کنیم که کیومرث و رستم چه کسانی بوده اند و چه نقشی در تاریخ این سرزمین دارند و یا هر سؤالی که به گذشته ی این سرزمین مربوط باشد، با جوابی بسیار دلسردکننده و پوچ مواجه خواهیم شد، مبنی بر اینکه دانستن یا ندانستن این افسانه ها چه دردی از ما دوا می کند، این حرف ها برای ما نان و آب نمی شود.

متأسفانه مردم ما در بی راهه ای که دشمنان این سرزمین از ده ها

سال قبل برای ما هموار کرده‌اند و آن چیزی نیست جز خود بیگانگی در حرکت می‌باشند و چه بسا که اکثریت مردم ما در این دام گرفتار شده‌اند. آری سیاست بلند مدت این غربی‌ها، پوچ و افسانه ساختن گذشته ملت ما می‌باشد. آنان با تلقین این گونه تفکرات که رسنم و سهراب و سیاوش افسانه‌ای بیش نیستند و از سویی دیگر تاریخ ملی و به طور کلی تاریخ را فاقد ارزش جلوه می‌دهند، لحظه به لحظه ارتباط ما را با آرمان‌های ملی و هرآنچه که در گذشته داشته‌ایم کمتر می‌کنند. اما از سویی دیگر با آب و تاب دادن به دروغ‌ها و افسانه‌های افرادی چون هومر و هرودوت آن چنان غوغایی به پا می‌کنند که گویی تاریخ یونان یعنی تاریخ جهان و فقط تاریخ یونان و مردم ارزش مطالعه و بررسی دارد.

آن جا که هومر از گذشته‌هایی تاریک و وحشت‌انگیز یونان با افتخار و شکوه یاد می‌کند و از کینه جویی‌ها، آدم‌کشی‌ها و بت پرستی‌ها به جوانمردی و نیکی مثال می‌آورد.

می‌بینیم که ماجرا بر سر یک زن زیبا به وقوع می‌پیوندد و جنگ تراوا و ایلپاد و دیگر داستان‌هایی که فاقد ارزش اخلاقی و انسانی می‌باشد شکل دهنده‌ی تمامی گذشته یونان می‌باشد.

در این آثار توهین به دیگران، دروغ گفتن، غارت اموال مردم به صورت آرمان و فضائل اخلاقی جلوه‌گر می‌شود. و خدایان مرتب در حال ناسزاگفتن و جنگ و گریز با یکدیگر می‌باشند.

در جشن‌های شان قربانی کردن انسان‌ها به عنوان نذر و نیاز برای خدایانی چون الهه خورشید می‌باشد تا خورشید فردا دوباره طلوع نماید.

زنان و دختران در اطراف معابد به بهای کیسه‌ای گندم و ذرت خود را به مردان رهگذری می‌فروشنند تا آن کیسه گندم و ذرت را نذر خدایان نمایند.

آری غریبان از چنین گذشته‌ای، باشکوه و افتخار یاد می‌کنند. حال در مقابل ما از جهان آرمانی زرتشت که سراسر از راستی و یگانگی می‌باشد گریزان و غافلیم و پاکدامنی و از معصومیت سیاروش همچون موضوعی که افسانه‌ای بیش نیست گذرا یادی می‌کنیم.

از خداشناسی و وطن دوستی و عشق رستم به جوانمردی، نیکی، راستی و مردم‌داری چون خواب و خیال، بدون هیچ تأمل و بازنگری و ارج نهادن به چنین مردی یکتا و جهان شمول رد می‌شویم. آری ما از بازماندگان چنین انسان‌های بزرگ و نیک‌سیرتی می‌باشیم. اجداد ما مردمانی یکتاپرست، راست منش و دانشمند بودند که تمام دنیا پیشرفت و تکامل خود را مدیون این مردان و زنان بزرگ می‌دانند،

و اگر ما بخواهیم برتری فکر و اندیشه و تکامل را در میان ملت‌های گوناگون بسنجیم، بدون شک ملت ایران به لحاظ تمام

دستاوردها و خدماتی که در طول تاریخ حیات بشر به جهانیان ارائه کرده در بالاترین رتبه، جایی که هیچ گاه، هیچ ملّتی توان رسیدن به آن درجه را ندارد، قرار می‌گیرد که حتی در نوشتارهای بعضی دانشمندان و بزرگان که همیشه با این سرزمین سرکینه و عداوت داشتند و دارند اعتراف‌هایی بزرگ را مشاهده می‌کنیم. چنان که سقراط به یکی از یونانیان گوشزد کرده است که اگر تو اجداد خود را در برابر اردشیر پسر خشایارشا نمایش دهی بی‌گمان بر تو خواهند خندید، پس نیک بنگر تا ببینی ما از حیث تبار و تربیت تا چه پایه از آنان کم‌تریم.

تاریخ این سرزمین بسیار دیرینه و دستاوردهایش تا بدان حد شگرف و عظیم است که بدون اغراق می‌توانیم بگوییم دنیا هر چه دارد مدیون گذشتگان ایرانی ما می‌باشد.

مردمان این سرزمین کهن همیشه و در هر زمان از آزمایش‌های پروردگار سربلند بیرون آمده‌اند و امروز هم وظیفه ما می‌باشد که با آگاه شدن و آگاه کردن و کشف تاریخ واقعی این سرزمین، نه تاریخی که غربیان به خورد ما می‌دهند خود و سرزمین خود را بهتر بشناسیم و با استفاده از تجربیات و بهره‌گیری از راهنمایان فهیم خود به سوی ایران پیروز و سرافراز گام برداریم.

عزیزان هم‌وطن، ما باید فرهنگ و آرمان‌های ملی و عقیدتی خود را دوباره باز شناسیم و بیاموزیم برای اینکه تاریخ و آرمان‌های هر ملّتی به منزله‌ی شناسنامه و هویت آن ملّت می‌باشد.

ما نباید اجازه بدهیم که بدخواهان این سرزمین بزرگ و ملت آزاده‌اش، هر روز بیشتر از روز پیش ما را با گذشته خود جدا کنند، باید حس ملی‌گرایی و نوع‌دوستی در جوانان ما شکوفا شود. با پرورش و آموزش منظم و دقیق و اصولی و در اختیار قرار دادن همه‌ی عوامل پیشرفت را برای نخبگان میهن خود، آباد سازیم.

باید که ما با شناخت گذشته و دستاوردهای ملی خود بتوانیم فرهنگ ایرانی را چون گذشته به جهان عرضه کنیم، نه اینکه از شاخه‌ای به شاخه‌ای بپریم و کورکورانه هر روز تقلیدگر فرهنگ بیگانه باشیم.

فرهنگ ما آن چنان غنی و شاداب و سرزنده است که احتیاج به هیچ گونه تقلید از این و آن نداریم. باید که با زنده کردن روش‌های آموزش و پرورش که نیاکان ما در گذشته‌های دور با آن روش‌ها جوانانی تربیت می‌کردند که همه عادل، با انضباط، آگاه، قوی، وطن‌دوست و آرمان‌گرا و راست‌اندیش بودند، به سوی موفقیت گام برداریم. آنان با استفاده از برنامه‌های بسیار سنجیده و آزموده شده از هدر رفتن وقت گران‌بهای جوانان و نیروی عظیم و سازنده قشر جوان جلوگیری می‌کردند و با چنین روش‌هایی بود که ایرانی همیشه بر اقوام و ملت‌های دیگر برتری داشت و همیشه بر دشمنان خود پیروز بود. البته باید متذکر شوم که تجربه گرفتن از شکست‌ها نیز به نوعی پیروزی محسوب شده و رمز موفقیت می‌باشد. عشق به آرمان‌های

ملّی چیزیست که امروزه تمام مردمان موفق دنیا ارزش آن را می دانند و این درست همان چیزیست که ملّت ما از چندین سده ی گذشته موقعیت درک و آموزش آن را نداشتند.

متأسفانه مشکلات بسیار زیادی که امروزه جوانان ما را احاطه کرده فرصت آموختن چنین مقوله هایی را از آنان گرفته است، مشکلاتی مانند داشتن یک سرپناه امن، داشتن شغل و منبع درآمد اصولی، ازدواج، تحصیل و بسیاری دیگر از این گونه موارد، همه ی این کمبودها باعث گردیده که روز به روز از نظر فرهنگ ملّی و حتی فرهنگ عامیانه ضعیف و ضعیف تر شویم و این یعنی غرق شدن در باتلاق گندیده ی فساد، خلاف، بزه کاری و در آخر از هم پاشیدن سازمان اجتماعی کشور.

باید که به تاریخ میهن مان بسیار ارج نهاده شود، باید با یک برنامه ی منظم و روشن تاریخ واقعی این سرزمین نگاشته شود، چون تاریخی که امروزه به چاپ می رسد به هیچ وجه بیان کننده ی تمامی حقایق تاریخ و وقایعی که در گذشته اتفاق افتاده نمی باشد.

ما امروز شاهکار حماسی - ملّی و تاریخی شاهنامه فردوسی را به کناری نهاده ایم و چون غلامان مطیع و حلقه به گوش هر آنچه را که دانشمندان و محققان غربی برای ما دیکته می کنند، چون یک حقیقت مطلق به خورد مردمان می دهیم. از زمانی که غرب در دوران رنسانس به خود آمد و به سرعت به سمت پیشرفت و تکامل حرکت

کرده متوجه شدند، که نباید به رقیب بسیار برتر و هوشمندتر از خودشان که همان ایران بزرگ می‌باشد و مدتی است که در خواب غفلت فرو رفته، فرصت تکاپو و زنده شدن مجدد داده شود، به همین دلیل برنامه‌های بسیار بسیار عظیمی را برای سرکوب و عقب مانده نگه داشتن این سرزمین طرح‌ریزی کرده‌اند که هر چند برای آن‌ها هزینه‌های سرسام‌آور و باور نکردنی را به همراه داشته، ولی حالا می‌بینیم که ارزش این همه صرف زمان و هزینه را داشته است. چون اگر ایران می‌توانست دوباره به روزهای اقتدار و عظمت گذشته خود در قبل از حمله‌ی اعراب به ایران دست یابد بدون شک، گوی سبقت را از آنان می‌ربود.

آنان با استفاده از راهنمایی‌های بزرگان خود که در جایی نوشته بودند: «ابتدا شمع بالای سرت را خاموش می‌کنم و بعد زندگی‌ات را می‌گیرم» شروع به تخریب گذشته پرشکوه ما و هر آنچه که از هزاران سال تلاش و کوشش مردمان این سرزمین برای ما مانده بود کردند.

منابع و بناهای تاریخی ما را آهسته آهسته تخریب می‌کردند و هر آنچه را که می‌توانستند می‌ربودند، و از سویی دیگر ملت ما را با درگیر کردن در موضوعات مبهم و پوچ، فرصت نگریستن و آگاهی یافتن از بلاهایی که داشتند به سرشان می‌آوردند، نمی‌دادند و بعد از گذشت ده‌ها سال ما هنوز از این خواب بیدار نشده‌ایم.

در طی چند دهه در زمان حکومت قاجاریان به حدی اشیاء عتیقه

و آثار باستانی از این سرزمین خارج شد که تقریباً می‌توان گفت، موزه‌های کشورهای چوَن شوروی (سابق)، آمریکا، انگلستان، فرانسه، ایتالیا و اسرائیل انباشته از کتب خطی و اشیاء و کشفیات به دست آمده از این سرزمین شد.

آثاری که از تخت جمشید و شوش و شهر سوخته و تپه‌ی سیلک کاشان و لرستان و شهرهای آذربایجان و صدها نقطه‌ی دیگر این کشور حفاری شده و به خارج کشور قاچاق شد چنان وسیع و زیاد است که اگر روزی همه آن‌ها را در جایی گرد آوریم دیگر احتیاجی به نوشتن تاریخ نخواهیم داشت و تمدن‌هایی چون مصر و یونان و چین در برابر تمدن عظیم ایران سر فرود آورده و خود را بسیار کوچک و حقیر احساس خواهند کرد.

این تاراج و دزدی اشیاء عتیقه امروزه شکل کاملاً تازه‌ای به خود گرفته است. بدین گونه که متأسفانه امروزه خود ایرانیان به خاطر مشکلات مالی و یا طمع زیاد در پشت پرده به صورت قانونمند دزد هویت و تاریخ و هر آنچه که از گذشته برایمان به ارث مانده شده‌اند و سیل اشیاء باستانی است که توسط خود ایرانیان و در بسیاری از مواقع توسط بسیاری از کسانی که در این مملکت، پست و مقامی دارند به خارج از کشور قاچاق می‌شود، و کسانی که باید در برابر این مشکل خانمان برانداز ق‌د علم کنند با دریافت رشوه به آن قاچاقچیان چراغ سبز نشان می‌دهند.

اگر بخواهیم سخن را کوتاه کنیم اینکه زیان‌هایی که ما در طول چند سال متحمل شده‌ایم و لطمات جبران‌ناپذیری که بر پیکره‌ی این سرزمین وارد آمده است آن قدر عمیق و سوزناک است که دیگر جای هیچ گونه درنگ جایز نیست باید که به سرعت برق و باد و با تلاشی فراگیر، تابه‌طور کامل در مرداب نیستی نابود نشده‌ایم خود را نجات دهیم والا اندک زمانی مانده تا آن جایی که نباید، برسیم.

مرتضی احدی

بهار ۸۳